

# زن جوانی که پس از گریم سرقت می کرد ؛ به دام افتاد

27 آذر 1401

**زن جوانی که با گریم پیرزن‌ها نقشه سرقت‌های سریالی از طلافروشی‌ها را اجرا می‌کرد از سوی پلیس دستگیر شد.**

به گزارش «مادران و دختران» به نقل از «ایران»، اواخر تابستان امسال مرد طلافروشی با پلیس تماس گرفت و از سرقت گردنبند طلایش توسط یک پیرزن خبر داد و گفت: ساعتی قبل زنی سالخورده با موهای جوگندمی و عینک به مغازه آمد و از من خواست سینی طلاهایم را به او نشان دهم تا برای نوه‌اش هدیه‌ای بخرد، اما پس از دقایقی بدون خرید از مغازه خارج شد و زمانی که خواستم طلاها را داخل ویتترین بگذارم، متوجه شدم یکی از گردنبندها به سرقت رفته است.

با شکایت مرد طلافروش تحقیقات آغاز شد و در بازبینی دوربین‌های مداربسته، تصویر زن سالخورده به دست آمد. در حالی که بررسی‌ها در این رابطه ادامه داشت، طلافروش دیگری با پلیس تماس گرفت و این بار مدعی بود زن میانسالی با موهای رنگی و عینکی به چشم به بهانه خرید طلا برای عروزش اقدام به سرقت انگشتر طلا کرده است.

در ادامه بررسی‌ها کارآگاهان با شکایت‌های مشابه مواجه شدند. هرچند شیوه سرقت‌ها یکسان بود اما شاکی‌ها برخی از زنی میانسال و برخی دیگر از یک پیرزن شکایت کرده بودند.

در حالی که تحقیقات ادامه داشت، مرد طلافروشی با پلیس تماس گرفت و گفت: دو هفته قبل زن سالخورده‌ای به مغازه طلافروشی دوستم رفته و از او سرقت کرده است.

دوستم تصویر زن سالخورده را برایم فرستاد و از من خواست برای دیگران ارسال کنم و ماجرای سرقت را هم تعریف کرد.

امروز همان زن به مغازه‌ام آمده و قصد خرید طلا برای نوه‌اش را دارد. به شاگردم گفتم طلاها را نشانش بدهد و خودم از مغازه بیرون آمده‌ام تا با پلیس تماس بگیرم.

به دنبال این تماس، مأموران گشت کلانتری بلافاصله خود را به محل رساندند اما سارق که به ماجرا شک کرده، از مغازه طلافروشی خارج شده و به سرعت پا به فرار گذاشته بود. مأموران به تعقیب او پرداختند و هنگام فرار کلاه‌گیس و عینکش به زمین افتاد اما او همچنان می‌دوید تا اینکه چند خیابان آن‌طرف‌تر زن سارق دستگیر شد و مأموران ناگهان دریافتند او زن جوانی است که با گریم خود را به پیرزن تبدیل کرده است.

متهم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی از طلافروشی‌ها اعتراف کرد و به دستور بازپرس رسولی از شعبه هشتم دادسرای ویژه سرقت در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار داده شد و تحقیقات برای شناسایی سایر جرایم احتمالی این فرد و احتمال همکاری‌اش با یک باند ادامه دارد.

**گفت‌وگو با زن سارق**

**چرا خودت را شکل پیرزن می‌کردی؟**

برای اینکه شناسایی نشوم گریم می‌کردم و چندین کلاه‌گیس هم با رنگ‌های مختلف خریداری کرده بودم و

عینک هم می‌زدم.

**چه شد که این شگرد به ذهنت رسید؟**

همخانه من به اسم شهلا آن را به من یاد داد. قرارمان هم این شد که به خاطر هزینه آموزش سرقت و اجاره‌خانه درصدی از پول سرقت‌هایم را به او بدهم.

**با شهلا چطور آشنا شدی؟**

زمانی که دختر جوانی بودم در مسیر رفت‌وآمد به خانه با پسری آشنا و عاشقش شدم. وقتی به خواستگاری‌ام آمد، خانواده‌ام بشدت مخالفت کردند اما من که عاشق و دل‌باخته او شده بودم، اصرار به این ازدواج داشتم. با خانواده‌ام قهر و با خشایار ازدواج کردم، اما مدتی بعد فهمیدم او مردی لال‌بالی و معتاد به شیشه است که سرقت و جیب‌بری هم می‌کند. به خودم که آمدم، دیدم همدست او شده‌ام و برایش مواد جابه‌جا می‌کنم و در سرقت‌ها با او می‌رفتم که کسی شک نکند. بالاخره شوهرم دستگیر شد و من هم از او طلاق گرفتم و چون خانواده‌ام مرا قبول نکردند به تهران آمدم. بی‌پول و بیکار در پارک‌ها پرسه می‌زدم که با شهلا آشنا شدم؛ سارقی سابقه‌دار که با همین شگرد سرقت کرده بود و به من هم این شیوه سرقت را آموزش داد.

**با طلاهای سرقتی چه می‌کردی؟**

طلای بدون فاکتور نصف قیمت هم خریداری نمی‌شود. درصدی از آن را به شهلا می‌دادم و کمی هم برای خرج و مخارج روزانه‌ام صرف می‌کردم.